

دست برای صورتبندی این اعتراضات احتیاط کنیم. به این موضوع بعد برخواهم گشت.

تحلیل دیگر درباره وقایع آبان از کمال اطهاری است که تجربه تکنوکراتیک و بوروکراتیک مهمی از سازوکار دولت در ایران دارد. آقای اطهاری در توضیح خود از حاشیه نشینی و سکونتگاه‌های غیر رسمی، مفهوم «تله فضایی فقر» را مطرح می‌کند. از دید او، اعتراضات آبان ماه تلاش حاشیه نشینان برای رهایی از این تله فضایی فقر است. نکته مهم بحث ایشان، ناکارآمدی سیستماتیک نهاد دولت است که به مرور بیشتر هم شده است. آقای اطهاری با اشاره به اینکه فقط ۹ درصد حاشیه نشینان با بانک‌ها در ارتباط هستند، توضیح می‌دهد که بانک برای حاشیه نشینان یا افراد گیرکرده در تله‌های فضایی فقر، نماد تبعیض و فاصله شدید طبقاتی است. اطهاری هشدار می‌دهد که با تداوم سیاست‌های فعلی، جمعیت حاشیه نشینان تا ۱۰ میلیون نفر دیگر هم افزایش خواهد یافت که این امر به این معنی است که در آینده این وضعیت خطرناک‌تر شده و ما با شورش‌های گسترده‌تر و متعددتری روبه‌رو خواهیم بود.

در کنار این‌ها باید از تحلیل محمدعلی کدیور، صابر خانی و ابوالفضل ستوده هم یاد کرد. اینها دریافته‌اند که در شهرهایی که اعتراضات آبان ماه در آن صورت گرفته، درصد بالایی از مردم به روحانی رأی داده بودند. متوسط کسانی که به روحانی رأی داده بودند، ۵۹ درصد بوده، در حالی که در شهرهای غیر معترض حدود ۵۱ درصد به روحانی رأی داده‌اند. این تحلیل نشان می‌دهد اعتراضات اخیر، بیشتر در شهرهایی رخ داد که مردم مشارکت بیشتری در انتخابات داشتند و اکثریت شان به روحانی رأی داده‌اند. این یعنی مبنای رأی در انتخابات گذشته، پراگماتیستی و عملگرایانه بوده و مردم از هر فرصتی برای بهبود وضعیت زندگی خود از جمله شرکت در انتخابات و در مرحله بعد، شرکت در اعتراضات استفاده می‌کنند.

نقطه مشترک همه این تحلیل‌ها تأکید بر این است که ریشه اعتراضات را باید در فرآیند روزافزون طرد و حاشیه نشینی جست‌وجو کرد. به عبارت دیگر این تحلیل‌ها می‌گویند ما با یک فرآیند دائمی حاشیه نشینی و طرد مواجه هستیم که در سال‌های گذشته به‌طور روزافزون ادامه داشته و تعمیق شده است. همراه این فرآیند حاشیه نشینی و طرد، با عقب نشینی دولت از سیاست‌های رفاهی در سال‌های گذشته مواجه هستیم. کما اینکه جرقه اعتراضات آبان، افزایش ۳ برابری قیمت سوخت بود. طبیعاً می‌شود انتظار داشت جامعه‌ای که به دلیل بیکاری فزاینده و فقدان فرصت‌های شغلی جدید به‌طور روزافزون بر ارتزاق از مشاغل اتکا دارد که به نحوی با بنزین مرتبط اند، واکنش نشان دهد. به همین دلیل اکثر معترضان آبان ماه جوان هستند، یعنی کسانی که آینده‌ای برای خود متصور نیستند. ارقام و آمار که خود مسئولان هم بر آنها صحنه گذاشته‌اند، مؤید وضعیت وخیم است. از جمله نرخ تورم ۴۵ درصدی و نرخ ۲۰، ۳۰ درصدی بیکاری در میان جوانان که البته نرخ بیکاری رسمی ظاهراً بسیار بالاتر از این است.

در مقام مقایسه میان اعتراضات آبان ماه امسال و دی ماه ۹۶، می‌توان گفت این دو رویداد از نظر جرقه‌های اعتراض با هم تفاوت دارند، اما تمهیداتی که موجب این دوا اعتراض شد، از یک جنس هستند و در واقع همان‌هایی هستند که باعث بروز اعتراضات اوایل دهه ۷۰ شدند، یعنی تورم ۵۰ درصدی دولت آقای هاشمی رفسنجانی که باعث شکل گیری اعتراضات در اسلامشهر، اراک و مشهد شد. در سال ۹۶ و ۹۸ همان اعتراضات در بستری به مراتب گسترده‌تری رخ داد که نشان می‌دهد فرآیند طرد و حاشیه‌زایی نه تنها از بین نرفته، بلکه عمیق‌تر و گسترده‌تر شده است. با این توضیح معتقدم نولیبرالیسم نمی‌تواند همه جنبه‌های وضعیت فعلی را توضیح دهد. در واقع دلیل اصلی این اعتراضات غیبت و فقدان دولت است و رها شدن شهروندان به حال خود است. در هفت تپه دیدیم که کارگران خواهان بازگشت دولت و بازپس گرفتن کارخانه از پیمانکاران بودند. حتی شعارهایی که در اعتراضات دی ماه سر داده شد، می‌توان گفت در همین راستا است، یعنی معترضان به غیبت نهاد دولت اشاره می‌کنند که یکی از مهم‌ترین مسائل ما است.

## ■ منظور شما از مفهوم «غیبت دولت» چیست و چرا این مفهوم را برای تبیین اعتراضات اخیر مهم می‌دانید؟

به نظر من یکی از ویژگی‌های اصلی ساخت سیاسی فعلی، حذف تدریجی دولت و زوال دولت است. البته منظور من از دولت STATE است، یعنی مجموعه‌ای از قوا شامل مجریه، مقننه و قضائیه. دولت اصلی‌ترین نهاد مدرنیته است. وجود دولت به معنای سازماندهی، برنامه‌ریزی، شفافیت و پیش‌بینی‌پذیری است. به نظر من گرایش به حذف و زوال دولت که در ابتدای انقلاب هم به صورت ضعیف وجود داشت، اکنون فراگیر شده است و این اعتراضات را باید پاسخی به این روند دانست.

## ■ منظور شما از دولت، به معنای قوه مجریه است یا کل حاکمیت را در نظر دارید؟

منظور من از دولت چیزی متمایز از حاکمیت است. ببینید در بسیاری از نقاط دنیا، میان دولت و حاکمیت جدایی نیست. در واقع یکی از وظایف دولت، اعمال حاکمیت هم هست. اما در ایران بویژه در دهه‌های اخیر، شاهد تفکیک تدریجی بین دولت و حاکمیت بوده‌ایم و در واقع در روندی معکوس این حاکمیت بوده که دولت را بتدریج خورده و در خود حل کرده است. منظور من از حاکمیت سازوکارهایی است که از یک سو با قوه قهریه و زور و از سوی دیگر با ایدئولوژی و اقناع سروکار دارند، آن چیزی که لویی آلتوسر با عنوان سازوکارهای ایدئولوژیک دولت از آن یاد می‌کند. حاکمیت دو بازوی اصلی دارد: بازوی اقناعی و بازوی قهریه. قوای قهریه عبارتند از نهاد‌های نظامی، انتظامی و امنیتی و قوای اقناعی، یعنی همه دم و دستگاه‌هایی که کاربیشه اصلی آن‌ها، اقناع است. غیر از برخی جاها مثل سومالی و موزامبیک که دولت عملاً وجود خارجی ندارد، حاکمیت و دولت تاحد زیادی یکی هستند، اما در ایران، هرچقدر از انقلاب فاصله می‌گیریم،

می‌بینیم که حاکمیت از دولت جدا، منفرع و منفک می‌شود و STATE روز به روز در معرض اضمحلال بیشتری قرار می‌گیرد. این واقعیت فقط هم در اقتصاد قابل مشاهده نیست، بلکه در همه سطوح دیده می‌شود. به عنوان مثال، می‌بینیم که سازوکارهای قضایی مضمحل شده و این قوه بر تصمیم‌های فردی و شخصی متکی شده است. این افول تدریجی در قوه مقننه هم دیده می‌شود، تا جایی که امروز برخی از نمایندگان مجلس هم می‌گویند مجلس دیگر در رأس امور نیست، یعنی مجلس به عنوان یکی از اصلی‌ترین نهاد‌های STATE روز به روز نقش حاشیه‌تری پیدا کرده و در مقابل نهاد‌های حاکمیتی همچون شورای نگهبان، نقش پررنگ‌تری یافته‌اند. قوه مجریه به عنوان یکی از اصلی‌ترین نهاد‌های دولت هم روز به روز افول کرده و در معرض دخالت روزافزون قوای حاکمیت قرار گرفته است. نتیجه این است که ما شاهد تفکیک تدریجی بیشتر میان دولت و حاکمیت و نیز شاهد تقویت مالی و اقتصادی و سیاسی روز به روز حاکمیت در مقابل تضعیف روزافزون دولت هستیم.

## ■ زوال دولت یا محو تدریجی دولت ذیل حاکمیت قابل فهم است، اما همچنان ارتباط این مسأله با مفهوم نولیبرالیسم مشخص نیست.

من نولیبرالیسم را هم در ذیل زوال دولت تحلیل می‌کنم. این مفهوم می‌تواند عقب نشینی روزافزون دولت به نفع حاکمیت در حوزه اقتصاد را

ریشه اعتراضات را باید در  
فرآیند روزافزون طرد و حاشیه  
نشینی جست‌وجو کرد.  
به عبارت دیگر این تحلیل‌ها  
می‌گویند ما با یک فرآیند  
دائمی حاشیه نشینی و طرد  
مواجه هستیم که در ۳۰ سال  
گذشته به‌طور روزافزون ادامه  
داشته و تعمیق شده است.  
همراه این فرآیند حاشیه نشینی  
و طرد، با عقب نشینی دولت از  
سیاست‌های رفاهی در  
۳۰ سال گذشته مواجه هستیم.  
کما اینکه جرقه اعتراضات  
آبان، افزایش ۳ برابری قیمت  
سوخت بود